

بررسی استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی دانش آمو

MDOI-01-2026.0035
MNR--1-32D3A8

***رضا فراشبندی**

گروه علوم تربیتی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، موسسه آموزش عالی لیان، بوشهر، ایران

reza.farashbandi@ielian.ac.ir

فاطمه پناهی

دانشجوی کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی، دانشگاه پیام نور، واحد خرامه، ایران

lidaapanahi@gmail.com

چکیده

هدف از انجام این مقاله بررسی ارزیابی استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی می باشد که با استفاده از منابع کتابخانه ای و به روش توصیفی و تحلیلی به نگارش در آمده است. کلاس‌های چندپایه به دلیل حضور هم‌زمان دانش‌آموزان پایه‌های مختلف، تفاوت در سطح توانایی‌ها و نیازهای آموزشی، محدودیت زمان و منابع و ضرورت مدیریت هم‌زمان چند گروه، از پیچیده‌ترین موقعیت‌های آموزشی به شمار می‌روند. در چنین شرایطی، استفاده از استراتژی‌های جبرانی می‌تواند نقش مهمی در کاهش نابرابری‌های آموزشی، جبران کاستی‌های یادگیری و فراهم‌کردن فرصت‌های برابر برای دانش‌آموزان داشته باشد. پژوهش حاضر با هدف ارزیابی استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و بررسی پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان انجام شده است. در این پژوهش، استراتژی‌های جبرانی شامل آموزش تکمیلی، اختصاص زمان بیشتر به دانش‌آموزان نیازمند حمایت، گروه‌بندی انعطاف‌پذیر، آموزش انفرادی، یادگیری همیارانه، فعالیت‌های مستقل، تمرین‌های هدفمند، ارزشیابی تکوینی و ارائه بازخورد سازنده مورد توجه قرار گرفته است. رویکرد پژوهش می‌تواند با توجه به اهداف مطالعه، توصیفی ـ تحلیلی و یا کیفی باشد و جامعه مورد مطالعه را معلمان و دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه تشکیل دهند. یافته‌های مورد انتظار نشان می‌دهد که استفاده هدفمند و متناسب از راهبردهای جبرانی می‌تواند با افزایش فرصت یادگیری، تقویت احساس شایستگی، افزایش مشارکت کلاسی، کاهش احساس ناکامی و ایجاد تجربه‌های موفقیت تحصیلی همراه باشد و از این طریق زمینه تقویت انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم کند. همچنین، اثربخشی این راهبردها به عواملی همچون تجربه و شایستگی حرفه‌ای معلم، میزان حمایت مدرسه، امکانات آموزشی، تعداد پایه‌های موجود در کلاس و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان وابسته است. بر این اساس، توجه به آموزش تخصصی معلمان کلاس‌های چندپایه، طراحی برنامه‌های جبرانی متناسب با نیاز دانش‌آموزان و فراهم‌کردن منابع و حمایت‌های آموزشی می‌تواند در ارتقای کیفیت یادگیری و افزایش انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نقش مؤثری داشته باشد.

کلیدواژه‌ها: استراتژی‌های جبرانی، کلاس‌های چندپایه، انگیزش تحصیلی.

مقدمه

نظام آموزشی یکی از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی در فرایند رشد و توسعه جوامع محسوب می‌شود و کیفیت عملکرد آن تا حد زیادی به توانایی مدارس و معلمان در ایجاد فرصت‌های یادگیری مؤثر برای همه دانش‌آموزان وابسته است. با وجود تلاش نظام‌های آموزشی برای فراهم کردن آموزش باکیفیت و عادلانه، شرایط جغرافیایی، جمعیتی و اقتصادی در برخی مناطق موجب شکل‌گیری کلاس‌های چندپایه شده است. کلاس چندپایه به کلاسی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان دو یا چند پایه تحصیلی به‌صورت هم‌زمان و تحت آموزش یک معلم قرار دارند. در ایران، این نوع کلاس‌ها بیشتر در مناطق روستایی، عشایری، کم‌جمعیت و برخی مناطق کمتر برخوردار مشاهده می‌شوند و نقش مهمی در فراهم کردن دسترسی دانش‌آموزان این مناطق به فرصت‌های آموزشی دارند (شاکریان، ۱۴۰۳). کلاس‌های چندپایه از نظر ساختار و فرایند یاددهی ـ یادگیری تفاوت قابل توجهی با کلاس‌های تک‌پایه دارند. در کلاس تک‌پایه، معلم عمدتاً با یک گروه سنی و یک برنامه درسی مشخص مواجه است؛ اما در کلاس چندپایه، معلم باید هم‌زمان نیازهای آموزشی دانش‌آموزان چند پایه را شناسایی و مدیریت کند. از آنجا که کلاس‌های چندپایه در ایران معمولاً از برنامه درسی مستقل برخوردار نیستند و همان برنامه‌های درسی کلاس‌های تک‌پایه را دنبال می‌کنند، معلم ناچار است چند برنامه درسی را در یک زمان و فضای آموزشی مشترک سازمان‌دهی و اجرا کند (شاکریان، ۱۴۰۳). این وضعیت، ضرورت برخورداری معلمان از دانش، مهارت، انعطاف‌پذیری و توانایی استفاده از راهبردهای متنوع آموزشی را دوچندان می‌کند. یکی از مهم‌ترین مسائل در کلاس‌های چندپایه، تفاوت سطح یادگیری و نیازهای آموزشی دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان از نظر سن، پایه تحصیلی، سرعت یادگیری، توانایی شناختی، پیشینه خانوادگی و میزان آمادگی تحصیلی با یکدیگر تفاوت دارند. بنابراین، استفاده از یک روش تدریس یکسان برای همه دانش‌آموزان نمی‌تواند همواره پاسخگوی نیازهای آنان باشد. معلم باید بتواند فعالیت‌ها و فرصت‌های یادگیری را متناسب با شرایط هر گروه طراحی کند و در صورت مشاهده ضعف یا عقب‌ماندگی تحصیلی، اقدامات جبرانی مناسبی انجام دهد. در منابع جدید آموزش چندپایه نیز بر ضرورت استفاده از راهبردهای انعطاف‌پذیر، مشارکتی و متناسب با تفاوت‌های دانش‌آموزان تأکید شده است (فرهوش، ۱۴۰۱). در این میان، استراتژی‌های جبرانی معلمان اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کنند. منظور از استراتژی‌های

جبرانی، مجموعه اقداماتی است که معلم با هدف کاهش آثار محدودیت‌های آموزشی، رفع ضعف‌های یادگیری، جبران کمبود فرصت آموزشی و حمایت از دانش‌آموزان نیازمند کمک بیشتر به کار می‌گیرد. آموزش تکمیلی، اختصاص زمان بیشتر، تشکیل گروه‌های کوچک، آموزش انفرادی، تمرین‌های هدفمند، فعالیت‌های مستقل، یادگیری همیارانه، ارزشیابی تکوینی، بازخورد مستمر و استفاده از روش‌های متنوع تدریس را می‌توان از جمله این راهبردها دانست. در کلاس چندپایه، استفاده از راهبردهای محوری، گروهی و ترکیبی نیز می‌تواند به معلم کمک کند تا آموزش مستقیم یک گروه را با فعالیت مستقل یا مشارکتی گروه‌های دیگر ترکیب کند (فرهوش، ۱۴۰۱). اهمیت استراتژی‌های جبرانی زمانی بیشتر آشکار می‌شود که محدودیت زمانی کلاس چندپایه مورد توجه قرار گیرد. معلم باید در همان چارچوب زمانی کلاس‌های عادی، چند برنامه درسی و چند سطح یادگیری را مدیریت کند. در منابع جدید درباره مدیریت کلاس‌های چندپایه، محدودیت زمان و کمبود وقت یکی از چالش‌های اساسی معلمان معرفی شده است؛ زیرا معلم باید محتوای آموزشی چند پایه را در زمان محدود سازمان‌دهی و ارائه کند. علاوه بر آن، معلم در این کلاس‌ها مسئولیت‌های بیشتری مانند برنامه‌ریزی، طراحی فعالیت، ارزشیابی و مدیریت گروه‌های مختلف دانش‌آموزی بر عهده دارد. در چنین شرایطی، راهبردهای جبرانی می‌توانند به‌عنوان سازوکاری برای کاهش نابرابری فرصت‌های یادگیری عمل کنند. برای مثال، دانش‌آموزی که به دلیل تفاوت سطح آموزشی یا محدودیت زمانی نتوانسته است یک مفهوم را به‌خوبی یاد بگیرد، می‌تواند از طریق فعالیت تکمیلی، آموزش انفرادی یا کار در گروه کوچک فرصت دیگری برای یادگیری داشته باشد. این رویکرد باعث می‌شود ضعف اولیه دانش‌آموز به شکست مستمر تبدیل نشود و امکان بازگشت او به جریان عادی یادگیری فراهم شود. از سوی دیگر، نوع اجرای راهبرد جبرانی می‌تواند در پیامدهای انگیزشی آن تعیین‌کننده باشد. اگر جبران آموزشی به شکل افزایش بی‌رویه تکالیف، سرزنش، مقایسه با سایر دانش‌آموزان یا تأکید مداوم بر ضعف انجام شود، ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد. در مقابل، اگر جبران با حمایت، بازخورد سازنده، توجه به تفاوت‌های فردی و ایجاد فرصت تجربه موفقیت همراه باشد، احتمال دارد انگیزش دانش‌آموز افزایش یابد. از این رو، ارزیابی استراتژی‌های جبرانی نباید صرفاً بر میزان رفع ضعف درسی متمرکز باشد، بلکه باید پیامدهای روان‌شناختی و انگیزشی آنها را نیز مورد توجه قرار دهد. حال سوال اصلی پژوهش بدین صورت مطرح می

گردد که ارزیابی استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی چگونه است؟

مبانی نظری

مفهوم کلاس های چند پایه

کلاس‌های چندپایه عمدتاً در شرایطی تشکیل می‌شوند که تعداد دانش‌آموزان یک منطقه یا روستا برای تشکیل کلاس‌های جداگانه کافی نیست .کمبود جمعیت دانش‌آموزی، کمبود نیروی انسانی، شرایط جغرافیایی دشوار، فاصله زیاد میان روستاها و شهرها، مشکلات دسترسی و مهاجرت جمعیت از جمله عواملی هستند که می‌توانند زمینه شکل‌گیری کلاس‌های چندپایه را فراهم کنند.(پورقیومی۱۴۰۱) نیز تشکیل این کلاس‌ها را با عواملی مانند کمبود جمعیت، شرایط محیطی دشوار، مشکلات ارتباطی، کمبود نیروی انسانی و به حدنصاب نرسیدن دانش‌آموزان برای تشکیل کلاس تک‌پایه مرتبط می‌داند . از منظر عدالت آموزشی، کلاس‌های چندپایه نقش مهمی در فراهم‌کردن فرصت تحصیل برای دانش‌آموزان مناطق محروم و کم‌جمعیت دارند. در مناطقی که امکان تأسیس مدرسه یا کلاس مستقل برای هر پایه وجود ندارد، ایجاد کلاس چندپایه امکان ادامه تحصیل دانش‌آموزان را فراهم می‌کند. از این منظر، کلاس چندپایه را نباید صرفاً یک محدودیت سازمانی دانست، بلکه می‌توان آن را یکی از سازوکارهای تحقق دسترسی همگانی به آموزش تلقی کرد (پورقیومی، ۱۴۰۱). با این حال، کلاس‌های چندپایه با چالش‌های آموزشی و مدیریتی متعددی نیز مواجه هستند. محدودیت زمان، حجم بالای محتوای درسی، تفاوت نیازهای دانش‌آموزان، دشواری ارزشیابی هم‌زمان، نیاز به طراحی فعالیت‌های مستقل و گروهی و ضرورت جابه‌جایی مستمر توجه معلم میان پایه‌ها از جمله این چالش‌هاست.(فرهوش ۱۴۰۱) تأکید می‌کند که به دلیل فرصت محدود هر پایه در یک جلسه، انتخاب راهبرد مناسب یاددهی ـ یادگیری و طراحی فعالیت‌های آموزشی هدفمند برای استفاده حداکثری از زمان اهمیت ویژه‌ای دارد . در عین حال، کلاس چندپایه می‌تواند فرصت‌های آموزشی ارزشمندی نیز ایجاد کند .حضور دانش‌آموزان پایه‌های مختلف در کنار یکدیگر، زمینه تعامل میان‌سنی، همیاری، یادگیری از همسالان و افزایش مسئولیت‌پذیری را فراهم می‌کند. همچنین دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر می‌توانند با

توضیح مطالب برای دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر، آموخته‌های خود را تثبیت کنند. چنین فرایندی می‌تواند نقش معلم را از انتقال‌دهنده صرف دانش به سمت تسهیلگر یادگیری تغییر دهد.

مفهوم انگیزش تحصیلی

انگیزش تحصیلی یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر کیفیت فرایند یاددهی ـ یادگیری و موفقیت دانش‌آموزان است. انگیزش در مفهوم کلی، نیرویی درونی یا بیرونی است که فرد را به آغاز، تداوم و جهت‌دهی به یک رفتار سوق می‌دهد. در حوزه آموزش، انگیزش تحصیلی به مجموعه نیروها، تمایلات، باورها و عواملی اشاره دارد که دانش‌آموز را به مشارکت در فعالیت‌های آموزشی، تلاش برای یادگیری، پیگیری اهداف تحصیلی و استمرار در مواجهه با دشواری‌های یادگیری ترغیب می‌کند .پژوهش‌های جدید فارسی نیز انگیزش تحصیلی را از مؤلفه‌های کلیدی کیفیت یادگیری دانسته و آن را با مشارکت، پشتکار و عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان مرتبط می‌دانند (فلاحی‌نژاد، ۱۴۰۳). انگیزش تحصیلی صرفاً به علاقه دانش‌آموز به درس محدود نمی‌شود، بلکه ابعاد مختلفی از جمله تمایل به یادگیری، تلاش و پشتکار، هدف‌مندی، مشارکت در فعالیت‌های کلاسی، احساس شایستگی و استمرار در انجام تکالیف را دربرمی‌گیرد. دانش‌آموز دارای انگیزش تحصیلی مناسب، معمولاً برای رسیدن به اهداف آموزشی تلاش بیشتری می‌کند، در برابر مشکلات یادگیری پایداری بیشتری نشان می‌دهد و برای انجام فعالیت‌های درسی آمادگی بیشتری دارد. از این منظر، انگیزش عاملی است که رفتار تحصیلی دانش‌آموز را فعال و در مسیر دستیابی به اهداف آموزشی هدایت می‌کند. یکی از ویژگی‌های مهم انگیزش تحصیلی، ماهیت چندبعدی آن است. انگیزش دانش‌آموز می‌تواند از علاقه و رضایت درونی ناشی شود یا تحت تأثیر عوامل بیرونی مانند تشویق، نمره، پاداش، انتظارات والدین و معلم قرار گیرد. همچنین عوامل شناختی مانند خودکارآمدی، اعتمادبه‌نفس و امید تحصیلی می‌توانند در شکل‌گیری انگیزش نقش داشته باشند. یافته‌های پژوهش توکلی، غضنفری و احمدی نشان داده است که امید تحصیلی، اعتمادبه‌نفس تحصیلی، سرسختی تحصیلی و خودکارآمدی با انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط معنادار دارند و متغیرهای مورد مطالعه توانسته‌اند بخش قابل توجهی از تغییرات انگیزش تحصیلی را تبیین کنند (توکلی و همکاران ۱۴۰۵).

جایگاه استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی

نقش این استراتژی‌ها، توجه به تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان است. دانش‌آموزان یک کلاس چندپایه نه‌تنها در پایه تحصیلی، بلکه در توانایی، سرعت یادگیری، علایق، سبک یادگیری و پیشینه خانوادگی نیز متفاوت‌اند. استفاده از یک روش یکسان برای همه دانش‌آموزان ممکن است موجب شود برخی دانش‌آموزان نتوانند به اهداف آموزشی مورد انتظار دست یابند. استراتژی‌های جبرانی به معلم امکان می‌دهند تا آموزش را براساس نیاز دانش‌آموزان تنظیم کند. به‌عنوان مثال، دانش‌آموزی که در یادگیری یک مفهوم خاص مشکل دارد، می‌تواند از تمرین‌های ساده‌تر و آموزش انفرادی استفاده کند، در حالی که دانش‌آموزان توانمندتر به فعالیت‌های توسعه‌ای و چالش‌برانگیز مشغول می‌شوند. سومین جایگاه استراتژی‌های جبرانی، مدیریت مؤثر زمان آموزشی است. در کلاس چندپایه، معلم نمی‌تواند تمام زمان کلاس را به یک گروه اختصاص دهد؛ بنابراین لازم است بخشی از فعالیت‌ها به‌صورت مستقل یا گروهی انجام شود. استفاده از فعالیت‌های خودآموز، تکالیف هدفمند و یادگیری همیارانه به معلم امکان می‌دهد زمانی را که مستقیماً با یک پایه کار می‌کند، بدون غیرفعال ماندن سایر دانش‌آموزان مدیریت کند.(فرهوش۱۴۰۱) بر استفاده از راهبردهای متنوع برای بهره‌گیری حداکثری از زمان کلاس چندپایه تأکید کرده است. چهارمین نقش، تقویت یادگیری همیارانه و مشارکت دانش‌آموزان است. در کلاس چندپایه، تفاوت سنی و تحصیلی می‌تواند به جای آنکه صرفاً یک مشکل باشد، به فرصتی برای یادگیری از همسالان تبدیل شود. دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر یا دانش‌آموزان توانمندتر می‌توانند در برخی فعالیت‌های آموزشی به سایر دانش‌آموزان کمک کنند. هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه می‌تواند ضمن افزایش تعامل میان دانش‌آموزان، فرصت مرور و تثبیت مطالب را نیز برای دانش‌آموز آموزش‌دهنده فراهم سازد(فرهوش۱۴۰۱) هم‌آموزی را از راهبردهای قابل استفاده در کلاس‌های چندپایه معرفی کرده و بر انعطاف‌پذیری آن تأکید دارد. پنجمین جایگاه استراتژی‌های جبرانی، حمایت از انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان است. انگیزش تحصیلی تحت تأثیر تجربه‌های موفقیت و شکست، احساس شایستگی، کیفیت رابطه با معلم، میزان مشارکت در فعالیت‌ها و برداشت دانش‌آموز از توانایی خود قرار دارد. وقتی دانش‌آموزی که در یادگیری با مشکل مواجه شده است فرصت دیگری برای تمرین، دریافت توضیح و اصلاح اشتباهات پیدا می‌کند، احتمال تجربه موفقیت در او افزایش می‌یابد. این تجربه موفقیت می‌تواند احساس

توانمندی و تمایل به ادامه فعالیت تحصیلی را تقویت کند. از این رو، استراتژی جبرانی می‌تواند از طریق تقویت احساس شایستگی بر انگیزش تحصیلی اثر بگذارد .دانش‌آموزی که به‌طور مستمر شکست تحصیلی را تجربه می‌کند، ممکن است به این باور برسد که توانایی لازم برای موفقیت را ندارد. اما اگر معلم با ارائه فعالیت متناسب، بازخورد سازنده و فرصت جبران به او کمک کند، احتمال شکل‌گیری ادراک مثبت‌تری از توانایی‌های خود افزایش می‌یابد. در منابع آموزشی جدید نیز ایجاد انگیزه و فراهم کردن محیط یادگیری مناسب، از عوامل مهم در بهبود فرایند یادگیری دانش‌آموزان معرفی شده است (سروری عموقین، ۱۴۰۴). از سوی دیگر، نقش معلم در اجرای این استراتژی‌ها نقشی حمایتی و انگیزشی نیز هست. معلم می‌تواند با توجه به تلاش دانش‌آموز، نه صرفاً نتیجه نهایی، انگیزه او را تقویت کند. ایجاد فرصت برای مشارکت، تشویق تلاش، ارائه بازخورد مثبت و اجتناب از مقایسه منفی دانش‌آموزان از اقداماتی است که می‌تواند در محیط چندپایه اهمیت بیشتری پیدا کند. در واقع، دانش‌آموز باید احساس کند که ضعف تحصیلی یک وضعیت قابل اصلاح است، نه نشانه‌ای از ناتوانی دائمی. استراتژی‌های جبرانی همچنین می‌توانند مشارکت تحصیلی دانش‌آموزان را افزایش دهند. دانش‌آموزی که در فعالیت‌های درسی مشارکت می‌کند، فرصت بیشتری برای تمرین، تعامل و دریافت بازخورد خواهد داشت. در کلاس چندپایه، روش‌های مشارکتی و گروهی می‌توانند این مشارکت را افزایش دهند. از سوی دیگر، مشارکت بیشتر موجب می‌شود دانش‌آموز احساس کند بخشی فعال از کلاس است و همین احساس تعلق می‌تواند انگیزش او را تقویت کند. از منظر عدالت آموزشی نیز استراتژی‌های جبرانی اهمیت دارند. کلاس‌های چندپایه در بسیاری از مناطق کم‌جمعیت، روستایی، عشایری و کمتر برخوردار، امکان دسترسی دانش‌آموزان به آموزش را فراهم می‌کنند. (پورقیومی ۱۴۰۱) کلاس‌های چندپایه را یکی از راهکارهای مؤثر برای تحقق آموزش برای همه و گسترش فرصت‌های آموزشی در مناطق محروم معرفی می‌کند. بنابراین، ارتقای کیفیت عملکرد معلمان در این کلاس‌ها نه‌تنها یک موضوع آموزشی، بلکه بخشی از مسئله عدالت آموزشی محسوب می‌شود. در عین حال، اثربخشی استراتژی‌های جبرانی به شرایط اجرای آنها وابسته است .اگر معلم صرفاً با افزایش حجم تکالیف یا ساعات آموزشی به دنبال جبران ضعف دانش‌آموز باشد، ممکن است خستگی، فشار و حتی کاهش انگیزش ایجاد شود. بنابراین، جبران آموزشی باید

هدفمند، متناسب با نیاز دانش‌آموز، تدریجی و همراه با حمایت عاطفی باشد. استراتژی جبرانی مؤثر باید به دانش‌آموز کمک کند تا تجربه موفقیت کسب کند، نه اینکه احساس ضعف و شکست او را تشدید نماید.

موانع و چالش های معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی

یکی از مهم‌ترین چالش‌های معلمان کلاس‌های چندپایه، محدودیت زمان و ضرورت تقسیم آن میان چند پایه تحصیلی است. در کلاس تک‌پایه، معلم تمام زمان آموزشی را برای یک گروه اختصاص می‌دهد، در حالی که در کلاس چندپایه باید زمان موجود را بین چند گروه تقسیم کند. این شرایط موجب می‌شود زمان آموزش مستقیم برای هر پایه کاهش یابد و معلم ناچار باشد بخشی از فرایند آموزش را به فعالیت‌های مستقل، گروهی یا همیارانه اختصاص دهد. (پورقیومی۱۴۰۱) محدودیت وقت ناشی از تعدد پایه‌ها و نقش‌های متعدد معلم را از مهم‌ترین چالش‌های کلاس‌های چندپایه می‌داند. محدودیت زمان می‌تواند پیامدهایی برای انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان داشته باشد. دانش‌آموزی که احساس کند فرصت کافی برای پرسش، دریافت توضیح یا دریافت بازخورد از معلم ندارد، ممکن است به‌تدریج احساس کند نیازهای آموزشی او مورد توجه قرار نمی‌گیرد. کاهش تعامل با معلم، به‌ویژه برای دانش‌آموزان ضعیف‌تر، می‌تواند علاقه و مشارکت آنان را کاهش دهد. بنابراین، مدیریت زمان در کلاس چندپایه نه‌تنها یک مسئله اجرایی، بلکه عاملی مرتبط با کیفیت تجربه یادگیری و انگیزش تحصیلی است. در بسیاری از کلاس‌های چندپایه، به‌ویژه مدارس کوچک و روستایی، معلم علاوه بر تدریس، مسئولیت‌هایی مانند مدیریت مدرسه، نظم‌دهی، ارزشیابی، امور اجرایی و فعالیت‌های تربیتی را نیز بر عهده دارد. در نتیجه، تمرکز و انرژی معلم میان وظایف متعددی توزیع می‌شود.(پورقیومی ۱۴۰۱) نیز تعدد نقش‌های معلم، از جمله آموزگاری، مدیریت، ناظم، مشاور و مربی فعالیت‌های مختلف را از عوامل کاهش‌دهنده زمان آموزشی می‌داند. افزایش وظایف می‌تواند فشار کاری و خستگی معلم را افزایش دهد. در صورت استمرار این وضعیت، احتمال کاهش کیفیت تعامل معلم با دانش‌آموزان و کاهش استفاده از روش‌های خلاقانه تدریس افزایش می‌یابد. فشار روانی ناشی از حجم وظایف نیز ممکن است به کاهش انرژی عاطفی معلم منجر شود؛ مسئله‌ای که به‌طور غیرمستقیم می‌تواند فضای انگیزشی کلاس را تحت تأثیر قرار دهد. منابع آموزشی جدید نیز فشار روانی و فرسودگی را از چالش‌های قابل توجه معلمان دوره ابتدایی معرفی کرده‌اند (آربزی، ۱۴۰۴). وجود دانش‌آموزان چند پایه در یک کلاس

موجب افزایش ناهمگونی شناختی، سنی و آموزشی می‌شود. دانش‌آموزان ممکن است از نظر سرعت یادگیری، سطح توانایی، پیش‌نیازهای آموزشی و نیازهای عاطفی تفاوت زیادی داشته باشند. (شاکریان ۱۴۰۳) نیز به تفاوت‌های دانش‌آموزان از نظر پایه، سن، جنسیت، توانایی و مهارت اشاره می‌کند. این ناهمگونی، طراحی یک فعالیت آموزشی یکسان برای همه را دشوار می‌کند. اگر معلم نتواند فعالیت‌ها را با سطح دانش‌آموزان متناسب سازد، دانش‌آموزان ضعیف ممکن است احساس ناتوانی کنند و دانش‌آموزان توانمند نیز ممکن است با احساس یکنواختی و بی‌چالشی مواجه شوند. هر دو وضعیت می‌توانند انگیزش تحصیلی را کاهش دهند. بنابراین، معلم کلاس چندپایه نیازمند استفاده از گروه‌بندی انعطاف‌پذیر، تکالیف متنوع، آموزش تفکیکی و فعالیت‌های متناسب با توانایی دانش‌آموزان است. استفاده از چنین شیوه‌هایی به معلم امکان می‌دهد تفاوت‌های فردی را به‌جای یک مانع، به فرصتی برای یادگیری تبدیل کند. یکی دیگر از مشکلات اساسی، نبود برنامه درسی مستقل و منابع آموزشی اختصاصی برای کلاس‌های چندپایه است. کلاس‌های چندپایه در ایران عمدتاً از همان برنامه درسی و کتاب‌هایی استفاده می‌کنند که برای کلاس‌های تک‌پایه طراحی شده‌اند. بنابراین، معلم باید محتوای چند پایه را در یک زمان و فضای مشترک سازمان‌دهی کند. (شاکریان۱۴۰۳) تصریح می‌کند که کلاس‌های چندپایه برنامه درسی و کتاب اختصاصی ندارند و معلمان ناچارند بیش از یک برنامه درسی را به‌طور هم‌زمان تدریس کنند. این وضعیت بار برنامه‌ریزی معلم را افزایش می‌دهد و احتمال استفاده از شیوه‌های تدریس سنتی و انتقال مستقیم محتوا را بیشتر می‌کند. در چنین شرایطی، ممکن است فرصت برای فعالیت‌های خلاقانه، بازی‌های آموزشی، پروژه‌ها و فعالیت‌های مشارکتی کاهش یابد؛ در حالی که چنین فعالیت‌هایی برای حفظ علاقه و انگیزه دانش‌آموزان اهمیت دارند.

راهکارهای بهبود فعالیت های معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی

یکی از راهکارهای مهم برای بهبود فعالیت معلم، ایجاد محیط عاطفی مثبت و شاد در کلاس است. دانش‌آموز زمانی بهتر یاد می‌گیرد که احساس امنیت، احترام و تعلق داشته باشد. این موضوع در کلاس‌های چندپایه اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا تفاوت‌های سنی و تحصیلی ممکن است در صورت مدیریت نامناسب به احساس مقایسه یا کمبود توجه منجر شود.(بهروزیان ۱۴۰۱) تأکید می‌کند که شاداب بودن فضای آموزشی می‌تواند یادگیری را مطلوب‌تر کند و احساس بهتر دانش‌آموزان در کلاس زمینه شکوفایی استعدادهای آنان را فراهم

می‌سازد. بنابراین، معلم باید از مقایسه منفی دانش‌آموزان خودداری کند، موفقیت‌های کوچک آنان را مورد توجه قرار دهد و فرصت مشارکت را برای همه پایه‌ها فراهم سازد. بازخورد مستمر و تشویق هدفمند از دیگر راهکارهای بهبود فعالیت معلمان است. دانش‌آموز باید بداند در چه زمینه‌ای موفق بوده و برای بهبود چه مهارتی باید تلاش کند. بازخورد نباید صرفاً بر نمره متمرکز باشد، بلکه باید فرایند تلاش و پیشرفت دانش‌آموز را نیز مورد توجه قرار دهد.(سروری عموقین ۱۴۰۴) بر اهمیت انگیزه در فرایند یادگیری تأکید کرده و استفاده از تشویق، دادن مسئولیت به دانش‌آموزان و فراهم‌کردن فرصت آموزش به دوستان را از راهکارهای مؤثر در افزایش حس کفایت، اعتمادبه‌نفس و مسئولیت‌پذیری معرفی می‌کند. در کلاس چندپایه، این موضوع اهمیت بیشتری دارد؛ زیرا معلم می‌تواند از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر برای آموزش یا کمک به دانش‌آموزان پایه‌های پایین‌تر استفاده کند و هم‌زمان احساس شایستگی و مسئولیت‌پذیری آنان را تقویت نماید. یکی از راهکارهای بنیادی برای بهبود فعالیت معلمان، برگزاری دوره‌های تخصصی و کاربردی برای تدریس در کلاس‌های چندپایه است. معلم کلاس چندپایه باید مهارت‌هایی مانند مدیریت چند گروه، طراحی برنامه درسی تلفیقی، مدیریت زمان، ارزشیابی چندسطحی، آموزش همیارانه و استفاده از فناوری را فراگیرد. همچنین مشاهده کلاس، بازخورد حرفه‌ای و تبادل تجربه میان معلمان می‌تواند به بهبود عملکرد آنان کمک کند. (نیرو ۱۴۰۱) مشاهده کلاس را فرصتی برای مشاهده فرایند واقعی یاددهی ـ یادگیری و فراهم‌کردن زمینه رشد حرفه‌ای معلمان معرفی می‌کند. بهبود فعالیت معلم بدون توجه به انگیزه و رضایت شغلی خود او امکان‌پذیر نیست. معلمی که از حمایت حرفه‌ای، منابع مناسب و شرایط کاری مطلوب برخوردار باشد، آمادگی بیشتری برای استفاده از روش‌های خلاقانه و مشارکتی دارد.(فاطمی ۱۴۰۱) معتقد است انگیزه معلم می‌تواند بر انگیزه دانش‌آموزان اثرگذار باشد و عواملی مانند انعطاف‌پذیری، مدیریت صحیح کلاس، فعالیت گروهی، تدریس فعال و توجه به تفاوت‌های فردی را در آموزش اثربخش مورد تأکید قرار می‌دهد. ازاین‌رو، حمایت از معلمان کلاس‌های چندپایه باید بخشی از سیاست‌های ارتقای کیفیت آموزشی باشد.

ویژگی های معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی

یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های معلم کلاس چندپایه، تسلط علمی و تخصصی بر محتوای درسی پایه‌های مختلف است. معلم باید اهداف، مفاهیم، مهارت‌ها و انتظارات آموزشی هر پایه را بشناسد و بتواند میان آنها

ارتباط برقرار کند. این ویژگی به او امکان می‌دهد در صورت نیاز، برخی مفاهیم مشترک را تلفیق کرده و برای هر پایه فعالیت متناسب طراحی کند. در کلاس چندپایه، صرف برخورداری از دانش موضوعی کافی نیست؛ بلکه معلم باید بتواند دانش تخصصی خود را متناسب با سطح شناختی دانش‌آموزان مختلف ارائه کند. (شهاب و همکاران۱۴۰۴) درباره تجربه زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه نشان می‌دهد که دانش تربیتی موضوعی این معلمان ماهیتی پویا، زمینه‌محور و تلفیقی دارد؛ یعنی معلم باید دانش تخصصی خود را با شرایط واقعی کلاس و نیازهای متفاوت دانش‌آموزان هماهنگ کند. از منظر انگیزش تحصیلی، تسلط علمی معلم می‌تواند از طریق افزایش کیفیت توضیح مطالب، کاهش ابهام و ایجاد تجربه موفقیت برای دانش‌آموزان، زمینه افزایش علاقه و مشارکت تحصیلی را فراهم کند. هنگامی که معلم بتواند مطالب را متناسب با سطح دانش‌آموز ارائه کند، احتمال تجربه شکست و ناکامی کاهش می‌یابد و احساس شایستگی تحصیلی افزایش پیدا می‌کند. برنامه‌ریزی و سازمان‌دهی از ویژگی‌های ضروری معلم کلاس چندپایه است. معلم باید اهداف آموزشی چند پایه را مشخص کرده، محتوای درسی را اولویت‌بندی و زمان آموزش، تمرین، فعالیت مستقل و ارزشیابی را از قبل سازمان‌دهی کند.(فرهوش ۱۴۰۱) در بررسی راهبردهای یاددهی ـ یادگیری کلاس‌های چندپایه، بر ضرورت توجه معلم به اهداف آموزشی، فعالیت‌های یادگیری، زمان موردنیاز و نحوه نظارت و ارزشیابی تأکید می‌کند. همچنین راهبردهای محوری، گروهی و ترکیبی را از شیوه‌های قابل استفاده در این کلاس‌ها معرفی می‌کند. معلمی که از توانایی برنامه‌ریزی مناسبی برخوردار است، می‌تواند از اتلاف زمان جلوگیری کند و برای زمانی که مستقیماً با یک پایه کار می‌کند، فعالیت هدفمندی برای سایر پایه‌ها در نظر بگیرد. این امر موجب کاهش زمان‌های مرده کلاس و افزایش درگیری دانش‌آموزان با فعالیت‌های آموزشی می‌شود. از نظر انگیزشی، نظم و سازمان‌دهی کلاس می‌تواند احساس امنیت و پیش‌بینی‌پذیری ایجاد کند. دانش‌آموز زمانی که بداند چه فعالیتی باید انجام دهد و چه زمانی از معلم بازخورد دریافت خواهد کرد، احساس سردرگمی کمتری داشته و مشارکت بیشتری نشان می‌دهد. مدیریت زمان یکی از برجسته‌ترین ویژگی‌های معلم موفق در کلاس چندپایه است. معلم باید زمان محدود کلاس را میان پایه‌های مختلف تقسیم کند، بدون آنکه هیچ گروهی احساس کند از آموزش و توجه کافی برخوردار نیست. راهنمای عمل معلمان کلاس‌های چندپایه نیز آموزش راهبردهای یادگیری به دانش‌آموزان را یکی از راهکارهای کمک به

معلم در مدیریت زمان معرفی می‌کند؛ زیرا دانش‌آموزانی که مهارت‌های مطالعه و یادگیری مستقل را فراگرفته‌اند، در زمان اشتغال معلم با یک پایه می‌توانند فعالیت آموزشی خود را ادامه دهند. معلم برخوردار از مهارت مدیریت زمان، معمولاً فعالیت‌های آموزشی را به بخش‌های مشخص تقسیم می‌کند، از زمان‌های انتظار جلوگیری می‌نماید و برای فعالیت‌های مستقل و گروهی برنامه دارد. این ویژگی می‌تواند فرصت یادگیری دانش‌آموزان را افزایش دهد و از احساس بی‌توجهی یا بی‌کاری آنان جلوگیری کند. یکی دیگر از ویژگی‌های اساسی معلم کلاس چندپایه، انعطاف‌پذیری آموزشی است. یک روش ثابت نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای دانش‌آموزان چند پایه باشد. بنابراین، معلم باید بتواند بر اساس موضوع درس، سطح دانش‌آموزان، تعداد پایه‌ها و شرایط کلاس، روش تدریس خود را تغییر دهد. (فرهوش ۱۴۰۱) راهبردهای مختلف یاددهی ـ یادگیری را برای کلاس‌های چندپایه معرفی کرده و بر انعطاف این راهبردها و اختیار معلم در انتخاب روش مناسب تأکید دارد. معلم انعطاف‌پذیر ممکن است در یک جلسه از تدریس مستقیم برای یک پایه، فعالیت گروهی برای پایه دیگر و فعالیت مستقل برای پایه سوم استفاده کند. چنین انعطافی موجب می‌شود محدودیت‌های ساختاری کلاس چندپایه به فرصت‌هایی برای تنوع در یادگیری تبدیل شود.انعطاف‌پذیری همچنین با انگیزش تحصیلی ارتباط دارد؛ زیرا تنوع در فعالیت‌ها می‌تواند از یکنواختی جلوگیری کرده و فرصت مشارکت دانش‌آموزان با علایق و توانایی‌های مختلف را افزایش دهد.

مزایای معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی

یکی از مهم‌ترین مزایای فعالیت معلمان در کلاس‌های چندپایه، **افزایش انعطاف‌پذیری حرفه‌ای و شناختی** است. معلم در این کلاس‌ها نمی‌تواند همواره از یک روش تدریس ثابت استفاده کند، زیرا دانش‌آموزان از نظر سن، پایه تحصیلی، توانایی و نیازهای آموزشی متفاوت هستند. بنابراین، معلم ناچار است متناسب با شرایط کلاس، روش تدریس، سطح فعالیت، نحوه ارائه محتوا و شیوه ارزشیابی خود را تغییر دهد. (شهاب و همکاران۱۴۰۴) در مطالعه‌ای درباره تجربه زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه نشان دادند که دانش تربیتی موضوعی این معلمان ماهیتی پویا، زمینه‌محور و تلفیقی دارد و معلمان برای پاسخگویی به شرایط متفاوت کلاس از راهبردهایی مانند انطباق پویا با محتوای درسی، تلفیق موضوعات و طراحی فعالیت‌های چندسطحی استفاده می‌کنند. این تجربه موجب افزایش انعطاف‌پذیری شناختی و توانایی حرفه‌ای معلمان

می‌شود. این انعطاف‌پذیری می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان نیز اثر بگذارد؛ زیرا معلم انعطاف‌پذیر قادر است فعالیت‌های متناسب با سطح و علایق دانش‌آموزان طراحی کند و از یکنواختی و آموزش یکسان برای همه جلوگیری نماید. کلاس چندپایه محیطی است که معلم باید در آن چند گروه دانش‌آموزی را به‌طور هم‌زمان مدیریت کند. ازاین‌رو، تجربه چنین کلاسی می‌تواند موجب تقویت مهارت‌های مدیریت کلاس، سازمان‌دهی فعالیت‌ها و کنترل فرایند یادگیری شود. معلم باید مشخص کند در هر بخش از زمان آموزشی، کدام پایه با او کار می‌کند و سایر پایه‌ها چه فعالیتی انجام می‌دهند. استفاده از فعالیت‌های مستقل، گروهی و همیارانه می‌تواند به مدیریت بهتر کلاس کمک کند. منابع آموزشی رسمی نیز بر استفاده از راهبردهای متنوع و انعطاف‌پذیر برای سازمان‌دهی یاددهی ـ یادگیری در کلاس‌های چندپایه تأکید دارند (فرهوش، ۱۴۰۱). تقویت مهارت مدیریت کلاس می‌تواند محیط آموزشی منظم‌تری ایجاد کند. محیط منظم و قابل پیش‌بینی به دانش‌آموزان کمک می‌کند بدانند چه کاری باید انجام دهند و چه انتظاری از آنها وجود دارد. چنین شرایطی می‌تواند سردرگمی و اضطراب را کاهش داده و زمینه مشارکت و انگیزش تحصیلی را افزایش دهد. یکی از مزایای مهم تدریس در کلاس‌های چندپایه، تقویت خلاقیت معلم است. نبود برنامه درسی و منابع اختصاصی برای کلاس‌های چندپایه باعث می‌شود معلم مجبور باشد بسیاری از فعالیت‌های آموزشی را متناسب با شرایط واقعی کلاس طراحی و تعدیل کند. (شاکریان ۱۴۰۳) بیان می‌کند که کلاس‌های چندپایه در ایران برنامه درسی و کتاب خاص خود را ندارند و معلمان باید بیش از یک برنامه درسی را هم‌زمان اجرا کنند؛ این وضعیت نقش و مسئولیت معلم را در طراحی و متناسب‌سازی آموزش افزایش می‌دهد. این شرایط می‌تواند زمینه‌ای برای ابتکار عمل معلم ایجاد کند. معلم ممکن است از محیط طبیعی، امکانات محلی، فعالیت‌های پروژه‌ای، بازی‌های آموزشی و منابع ساده برای آموزش چند پایه استفاده کند. از سوی دیگر، خلاقیت معلم می‌تواند به ایجاد کلاس جذاب‌تر و انگیزاننده‌تر منجر شود. دانش‌آموزانی که با فعالیت‌های متنوع و غیرتکراری روبه‌رو می‌شوند، احتمال بیشتری دارد که کنجکاوی و علاقه خود را نسبت به یادگیری حفظ کنند.

بحث و نتیجه گیری

کلاس‌های چندپایه از جمله موقعیت‌های آموزشی پیچیده‌ای هستند که در آن معلم باید به‌صورت هم‌زمان نیازهای آموزشی، عاطفی و اجتماعی دانش‌آموزانی با سن، پایه تحصیلی، توانایی و سرعت یادگیری متفاوت را پاسخ دهد. در چنین شرایطی، محدودیت زمان آموزشی، تفاوت سطح یادگیری، کمبود منابع و ضرورت مدیریت هم‌زمان چند گروه موجب می‌شود استفاده از راهبردهای جبرانی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار باشد. راهبردهای جبرانی در این پژوهش به مجموعه اقداماتی اطلاق می‌شود که معلم برای کاهش آثار ناشی از محدودیت‌های کلاس چندپایه و جبران عقب‌ماندگی، ضعف یادگیری، کمبود فرصت آموزشی یا تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان به کار می‌گیرد. نتایج کلی پژوهش نشان می‌دهد که استراتژی‌های جبرانی معلمان می‌توانند نقش مهمی در بهبود شرایط یادگیری و تقویت انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان کلاس‌های چندپایه داشته باشند .این راهبردها زمانی اثربخش‌تر هستند که به جای تمرکز صرف بر جبران نمرات پایین، بر ایجاد فرصت مجدد برای یادگیری، تقویت احساس شایستگی، افزایش مشارکت و فراهم کردن تجربه موفقیت برای دانش‌آموزان تأکید داشته باشند. یکی از مهم‌ترین استراتژی‌های جبرانی، اختصاص زمان اضافی و فرصت‌های یادگیری تکمیلی است. در کلاس چندپایه، ممکن است به دلیل تقسیم زمان میان چند گروه، برخی دانش‌آموزان فرصت کافی برای دریافت آموزش مستقیم یا تمرین نداشته باشند. در چنین شرایطی، معلم می‌تواند با استفاده از فعالیت‌های تقویتی، تمرین‌های هدفمند، آموزش انفرادی یا گروه‌های کوچک، بخشی از این کمبود را جبران کند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که موفقیت تحصیلی دانش‌آموز تا حد زیادی به فرصت کافی برای تمرین و دریافت بازخورد وابسته است. هنگامی که دانش‌آموز احساس کند معلم برای پیشرفت او زمان و حمایت کافی اختصاص می‌دهد، احساس ارزشمندی و تعلق او به فرایند یادگیری نیز تقویت می‌شود. بنابراین، اثربخشی استراتژی‌های جبرانی در کلاس‌های چندپایه به کیفیت اجرای آنها وابسته است، نه صرفاً به وجود آنها .معلم باید بتواند براساس نیازهای واقعی هر دانش‌آموز، راهبرد مناسب را انتخاب کند و میزان پیشرفت را به‌طور مستمر مورد ارزیابی قرار دهد. در این فرایند، توجه به تفاوت‌های فردی، ایجاد تجربه موفقیت، ارائه بازخورد مثبت، تقویت استقلال و فراهم کردن تعامل اجتماعی سازنده از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در نهایت می‌توان گفت که معلم کلاس چندپایه در نقش یک طراح، تسهیلگر و

جبران‌کننده فرصت‌های نابرابر یادگیری عمل می‌کند. هرچه این نقش با دانش حرفه‌ای، برنامه‌ریزی دقیق، انعطاف‌پذیری و شناخت نیازهای انگیزشی دانش‌آموزان همراه باشد، احتمال دستیابی به پیامدهای مطلوب آموزشی و انگیزشی افزایش خواهد یافت. ازاین‌رو، حمایت از معلمان کلاس‌های چندپایه از طریق آموزش‌های تخصصی، کاهش بارهای غیرآموزشی، تأمین منابع مناسب و فراهم کردن فرصت تبادل تجربه میان معلمان می‌تواند زمینه استفاده مؤثرتر از استراتژی‌های جبرانی و در نتیجه تقویت انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان را فراهم سازد. پیشنهادات در راستای ارزیابی استراتژی‌های جبرانی معلمان در کلاس‌های چندپایه و پیامدهای آن بر انگیزش تحصیلی به شرح زیر است:

تقویت مهارت مدیریت زمان معلمان :با توجه به محدودیت زمان و تعدد برنامه‌های درسی، به معلمان توصیه می‌شود زمان آموزشی را با استفاده از برنامه‌های روزانه و هفتگی منعطف، اولویت‌بندی مطالب و تعیین زمان مشخص برای هر پایه مدیریت کنند. استفاده از راهبردهای محوری، گروهی و ترکیبی نیز می‌تواند به استفاده مؤثرتر از زمان کمک کند .

استفاده بیشتر از آموزش تلفیقی و محتوای مشترک :پیشنهاد می‌شود معلمان موضوعات و مفاهیمی را که میان چند پایه اشتراک دارند شناسایی کرده و در صورت امکان آنها را به‌صورت تلفیقی آموزش دهند. این روش می‌تواند ضمن کاهش حجم تدریس مستقیم، فرصت بیشتری برای تعامل با دانش‌آموزان و اجرای فعالیت‌های تکمیلی فراهم کند.

گسترش یادگیری همیارانه و هم‌آموزی :پیشنهاد می‌شود از دانش‌آموزان پایه‌های بالاتر یا دانش‌آموزان توانمندتر برای کمک آموزشی به سایر دانش‌آموزان استفاده شود. هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه یکی از راهبردهای مناسب برای کلاس‌های چندپایه است و می‌تواند علاوه بر کمک به معلم، احساس شایستگی، مسئولیت‌پذیری و تعلق دانش‌آموزان را افزایش دهد .

طراحی فعالیت‌های مستقل برای دانش‌آموزان :معلمان می‌توانند در زمانی که مشغول آموزش مستقیم یک پایه هستند، برای سایر پایه‌ها فعالیت‌های هدفمند مانند تمرین، مطالعه، حل مسئله، فعالیت پژوهشی، کاربرگ یا پروژه‌های کوتاه طراحی کنند. این امر از اتلاف زمان جلوگیری کرده و موجب افزایش استقلال دانش‌آموزان می‌شود.

منابع

آربزی، محسن. (۱۴۰۴). بحران خاموش: مواجهه با فشار روانی در میان معلمان دوره ابتدایی. رشد آموزش ابتدایی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

بهروزیان، محمدحسن. (۱۴۰۱). شاداب‌سازی کلاس درس. رشد آموزش.

پورقیومی، علی. (۱۴۰۱). کلاس‌های چندپایه به زبان آمار و ارقام. رشد آموزش ابتدایی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

پورقیومی، علی. (۱۴۰۱). کلاس‌های چندپایه به زبان آمار و ارقام. رشد آموزش ابتدایی.

پورقیومی، علی. (۱۴۰۱). کلاس‌های چندپایه به زبان آمار و ارقام. رشد آموزش ابتدایی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

توکلی، فاطمه، غضنفری، احمد، و احمدی، رضا. (۱۴۰۵). مدل‌یابی انگیزش تحصیلی براساس امید تحصیلی، اعتمادبه‌نفس تحصیلی و سرسختی تحصیلی با میانجی‌گری خودکارآمدی تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه شهر شیراز. مجله شناخت، رفتار، یادگیری.

سروری عموقین، فریبا. (۱۴۰۴). نقش انگیزه در یادگیری. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

شاکریان، حامد. (۱۴۰۳). یک معلم و این همه پایه. رشد معلم.

شاکریان، حامد. (۱۴۰۳). یک معلم و این همه پایه. رشد معلم. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

شهاب، مطهره، باقرزاده، زهره، و جعفری، عارفه. (۱۴۰۴). تحلیل پدیدارشناسانه تجربه زیسته معلمان کلاس‌های چندپایه از به‌کارگیری دانش تربیتی موضوعی بر اساس مدل SFA. یادگیری هوشمند و تحول مدیریت.

فاطمی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). راهکارهای افزایش انگیزه معلمان برای آموزش اثربخش. رشد آموزش.

فاطمی، سیدمحمد. (۱۴۰۱). راهکارهای افزایش انگیزه معلمان برای آموزش اثربخش. رشد آموزش. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

فرهوش، معصومه. (۱۴۰۱). تدریس اصلی، تدریس فرعی؛ راهبرد محوری، گروهی و ترکیبی. رشد آموزش ابتدایی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

فرهوش، معصومه. (۱۴۰۱). هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه؛ نگاهی به راهبردهای یاددهی ـ یادگیری در کلاس‌های چندپایه. رشد آموزش ابتدایی.

فرهوش، معصومه. (۱۴۰۱). هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه؛ نگاهی به راهبردهای یاددهی ـ یادگیری در کلاس‌های چندپایه. رشد آموزش ابتدایی. دفتر انتشارات و فناوری آموزشی.

فرهوش، معصومه. (۱۴۰۱). هم‌آموزی از هم‌پایه و دگرپایه؛ نگاهی به راهبردهای یاددهی ـ یادگیری در کلاس‌های چندپایه. رشد آموزش ابتدایی.

فرهوش، معصومه. (۱۴۰۱).تدریس اصلی، تدریس فرعی؛ راهبرد محوری، گروهی و ترکیبی .*رشد آموزش ابتدایی* .

فلاحی‌نژاد، مریم. (۱۴۰۳). بررسی جامع سازه‌های روان‌شناختی مؤثر بر انگیزش تحصیلی دانش‌آموزان در محیط‌های آموزشی نوین. یادگیری، تربیت و آموزش مدارس در هزاره سوم، ۱(۱)، ۱–۹.

نیرو، محمد. (۱۴۰۱). تاباندن نور به کلاس بسته: راهنمای مشاهده کلاس. رشد آموزش.



Abstract

The purpose of this article is to investigate the evaluation of teachers' compensatory strategies in multi-grade classes and their consequences on academic motivation, which was written using library resources and a descriptive and analytical method. Multi-grade classes are considered one of the most complex educational situations due to the simultaneous presence of students from different grades, differences in ability levels and educational needs, time and resource limitations, and the necessity of managing multiple groups simultaneously. In such circumstances, the use of compensatory strategies can play an important role in reducing educational inequalities, compensating for learning deficiencies, and providing equal opportunities for students. The present study was conducted with the aim of evaluating teachers' compensatory strategies in multi-grade classes and examining their consequences on students' academic motivation. In this study, compensatory strategies including supplementary instruction, allocating more time to students in need of support, flexible grouping, individual instruction, cooperative learning, independent activities, targeted exercises, formative evaluation, and providing constructive feedback have been considered. The research approach can be descriptive-analytical or qualitative, depending on the study objectives, and the study population consists of teachers and students in multi-grade classes. The expected findings show that the targeted and appropriate use of compensatory strategies can be associated with increasing learning opportunities, strengthening the sense of competence, increasing class participation, reducing the feeling of failure, and creating experiences of academic success, thereby providing the basis for strengthening students' academic motivation. Also, the effectiveness of these strategies depends on factors such as the teacher's professional experience and competence, the level of school support, educational facilities, the number of grades in the class, and individual differences of students. Accordingly, paying attention to specialized training for teachers of multi-grade classes, designing remedial programs tailored to students' needs, and providing educational resources and support can play an effective role in improving the quality of learning and increasing students' academic motivation.

Keywords: Remedial strategies, teachers, multi-grade classes, academic motivation, academic progress, classroom management, educational strategies, student learning.